

با وزیر مشمول آن چند باید صرف وقت کرد
که اینها باشند. باشند از نظم ائمه باید
من خواهش بکنم که این فعل از نظم ائمه باعث تضادی
همان فصل نظام ائمه که لذی الائمه میتوان تغییر
فصلی از قصور آن را داد تغییر بدهید.

لیکن - پس خوست امروز این مطالب
نام بخود شما میراث مایه است که وزراء مشمول هر
روز در مجلس حاضر شوند و این فعل از نظم ائمه
تغییر بدهید.

سعد الدلوه - من نیکویم که هر روزه ولای
میگویم از سفر ایکی دواینچه استند بپرسید که وزراء
در خارج ببینه ترتیب در مجلس حاضر مشتوند.

لیکن - من نیکویم باید باختیار است.

سعد الدلوه - باختیار است ولی مشمول است
آنها با مجلس است.

لیکن - من نیکویم که نیشود آنها فوراً جواب
بدهند باید بیش از وقت بانها اطلاع داد بتوسط
رئیس وزراء (صدر اعظم) تامیبوغ بطلب باشند و
در مجلس حاضر شوند جواب بدهند.

وقت الدلوه - همان فصلی را که میگویند
تغییر بدهند بفرمائید بجه نحو تغییر بدهند.

محقق الدلوه - در آن فعل یافصل دیگر
کویا مسائل فوریه را قید کرده اند که باید زود
جواب بدهند.

صدیق حضرت - کدام نظام ائمه را تغییر
بدهند داخلی یا اساسی اگر داخلی را میگویند
ربطی پوزراء ندارد.

آقامیرزا ابوالحسن خان - در اینکه
حالا کار خیلی زیاد است شبهه نیست.

آقامیرزا محسن - پس باید وزراء را
خواست.

سعد الدلوه - همانطور که جناب رئیس
قرمودن بهتر اینست که بعد اعظم بنویسند که
حتی الامکان حضور وزراء هردو سه روز یکمکه مادر
مجلس لازست و این مجلسی است که شاء اتفاق
کرده آمدن باینچه مثل رفتن به مجلس دربار است
موجب بی شائی خواهد بود.

آقامیرزا محسن - به ضرر دارد که
معاون ایشان را بخواهید هر روز ملزم از حاضر شوند
حاجی امین الشرب - فعلاً روی مسئله را
وزیر مایه است معاون ایشان هر روز حاضر شود
خیلی خوبست.

آقامیرزا ابوالحسن خان - بجه اینکه
مالقی خالصیات در این ایام بخشیده شده و
مالقی ائمه باشند باید اینها باید اینها
رسید که شود.

حاجی محمد اسماعیل آقا - تمام اینها
در عهده وزیر مایه است.

سعد الدلوه - من فریب دوکرور برای
جزانه دولت از مواجب سکردر محل بیدا کرد این
یکنفره و فقره دیگر وزیر معاون و پسر کتابچی و
شیخ الملک با صدقی السلطنه در اینجا حاضر شوند
عمل معدن نفعه مذاکره شود.

خطاط باشی - شیخ الملک دخیل کار نبود.

لیکن - منم مقید ام همی است ولی میگویند
اینکارها باید مینهاین جاصلاح شود.

سید الحکماء - از روزی که نظام ائمه داده
شده است ما وزرا نخواسته ایم.

سعد الدلوه - چرا وزرا مستول حاضر نمی
گفتکو نشود حالا از این قبیل مطالب بسیار است که از
دفتر به اداره که لازم است جو عین مینهایند.
سعد الدلوه - یک کمیسیون برای این کارها
است من میخواهم بیرون کمین الدلوه وقت رفتن
بتجار گفته بود که چهارصد وینچه هزار توان در
بانک موجود است چه شده است من میخواهم بگویم
که شش میلیون فرانک فرش کردند و اسلحه خود را
اند که این اسلحه را بتدربیع بیاورند و این اسلحه
و تقدیم شدید بعد میرستند بهر اداره که راجع
است بآنها جواب میخواهند و از این قبیل بیان دلت
ویست کاغذ شکایت بنمیدند.

آقامیرزا ابوالحسن خان - مکرر گفته
شده که این مجلس برای این قبیل کارها نیست.
آقامیرزا زامحمد خوالساري - باید
حساب کردند این هزارا از کی باید سوال کرد
تاوزیر مشمول حاضر نباشد.

حاجی شیخ علی - مجملی از این مطالب
در این مجلس خوانده شدند ندارد.

سعد الدلوه - من در پیش گفتم کمیسیون رسید کی تأمین
یکی از وزراء است باید سوال کار
دیگر دارد.

حقوق الدلوه - این جا حاضر است.
سعد الدلوه - این مجلس حقوق دیگر دارد
و تجدید کوتیرات فرنگیها که بین مددوده آنها
مانده تجدیدیمی نمایند اینها را که مرض کردم تو شدید
یانه اگر نوشته شد جواب کو و اگر نوشته شد
که مجلس منعقد باشد البته باید مشقول کار باشد
تو شدید و من میگویم ضراب خانه که سال است
بسته است رئیس میخواهد چکنند و معلمات لازم نداود
حقوق الدلوه - کمیسیونها تشکیل شده
و قبیح اذکار خود آنرا در مجلس رسمی مطرح نمایند.
موضع دیگر مذاکره مجلس غوف العاده امر و داد
مناصکراتی دا که باید در مجلس رسی موضوع
شود مطرح نموده و در مقایق و اطراف اصول و
فرض و شعب محتمله آن باقلمانیم و تدبیر مذاکره
و بحث کنند و پس از تحقیق حکایت و کمیت
خصوصیات مسئله میجوت عنها وصالح و تسویه و
تفییع اذکار خود آنرا در مجلس اذکار خود
موضع دیگر مذاکره مجلس غوف العاده امر و داد
مشتعل که مجلس حق اصرار خود را رسید کی نمایند.
آقا سید عبد الله مجتبه - اینکه
میفرمایند کمیسیونها دوازده نفر هستند ماهفته آن
روز برای مجلس مین کرده اند روز دیگر حضور
یکنار هستند آن سه نفر مشقول مرتبها مطرح شده و
جلس موضوع بعث مشود بود مرتباً مطرح شده و
منها اختتام یابد و هر چه مطرح شده ترا باخد
لیکن - باید کاری اذیش بروید آنها
هست هر کس در یک امری اطلاع دارد حال چه
خواهد شد که نواید رسید کی نمایند.
حاجی سید ناصر الله - ناید منتظر این
در مجلس (گفتند احست) مردم خوش آیند
حاجی سید ناصر الله - اگر محض خوش آیند
مردم است همانت که بدم احست کفتند و اگر
محض مجلس است ماکاری دوچهار روز نداریم
اگر کار داشته باشیم در تمام هفت حاضریم.
هیئت‌الملک - کارما تمام در این‌ساعت درست
میشود و کمیسیونها در همینجا تشکیل میشود.
حسنعلی خان - خوست این کمیسیونها را
تغییر بدهند آنایاهم داخل کمیسیونهاشند.
رئیس - این کمیسیونها که شش تراست ۱۲
نفر بشوند شش نفر دیگرهم و کلان‌بین کند.
آقامیده حسن تقی زاده - همچو کدام میروند
که میخواهیم اجزاء کمیسیون بشود این نیست
بس خوست که هفته یک‌روز هم حاضر شویم من
میگوییم که کمیسیون صبح کار بکند در عصر صحبت
آن مذاکره شود.
میرزا ابوالحسن خان - تیجه یک‌جهتی در
بکردو خوانده میشود ممکن است که در سه ساعت
طرف صبح کار بکنند و عصر شیجه آنها را اظهار
پذارند حاشا و کلا بنده در این پا به هیچ حرکی
نمی‌کویم.

آقامیده حسن تقی زاده - میگوییم چه
ضرر دارد که کمیسیون در صد وضع قوانین باشند
دانی مجلس از رای هر این علوم عمومی و تظامات معمولی
رسید کی نمایند.

میرزا ابوالحسن خان - چه ضرر دارد که
بکردو از رای هر این علوم عمومی و بکردو همیزی قطع
شد هزار توان مواجب نظام املک را با داده
این سیدبرای مجلس گشته شده است باید تمام مواجب
آن طرف را در حق این مدادات برقرار کنند و کلا
هم باید رای بدهند.

بعد اعتبار نامه آقای حاجی بحرالعلوم رشی
قرائت شد که از جانب علماء اعلام داشت متوجه شدند
(همه نبریک گفتند).

آقامیده حسن - تکلیف در حاضر شدن
و گلا بوقت مین و کمیسیونها چه شد هفته یک‌روز
باید باشد چه میگفتند هفته سه روز باشد.

آقامیده محمد مجتبه - مکرر آن
کمیسیونها اهل این مجلس نبستند و وضع قوانین

نه برای اهل این مجلس است که شا میتوانید از
این هشت خارج نمایید.

آقامیده حسن - این کمیسیون اینست که کمیسیون
مالیه میگویند چهارده هزار دهاره و افاده تنظیمات
کمیسیون خلاصه کرده بیارند دو مجلس بیان
نوشن قانون اگرچه کار داد که باید اهل
دیگر از بیان اینکه کمیسیون کسی انتکار ندارد و
آنها نمی‌نویسند باید مایه‌رسیدم بنده هستی خود
کار کرد.

آقا سید محمد - پس تشکیل این
مجلس برای چیست بیهوده است؟

رئیس - خیر آقا چهار بیهوده باشد
مشهدی باقر - پیش از آنکه نظام ائمه
یاید هر روز می‌آمدیم من شبیه آن روز دیگر حضور
یکنار هستند که شما چه میکنید میکنیم نظام ائمه
نادارم حالا که نظام ائمه آمد نمیشود مردم اتفاق
کرد بیکروز واین مجلس دارای همه کوهه اشخا
هست هر کس در یک امری اطلاع دارد حال چه
خواهد شد که ما یا ایشان در مجلس ولی آنها پیشکار کار
دارند آرزو نیایند و مطالب را بعد از تمهیه بیاورند
در مجلس (گفتند احست) همچو خوش آیند

حاجی سید ناصر الله - اگر محض خوش آیند
مردم است همانت که بدم احست کفتند و اگر
محض مجلس است ماکاری دوچهار روز نداریم
اگر کار داشته باشیم در تمام هفت حاضریم.

هیئت‌الملک - کارما تمام در این‌ساعت درست
میشود و کمیسیونها در همینجا تشکیل میشود.
حسنعلی خان - برای روز سه شنبه میرسد
میرزا ابوالحسن خان - بنا بود بهر و لیمه
باشد نصیحته همیونی.

آقامیده حسن - اگر نیتواند در ساعت مین حاضر شوند
هیزامحمد اصفهانی - آن نوشته که بنا بود
بدعنه بصحب رسید یاده.

رئیس - برای روز سه شنبه میرسد
میرزا ابوالحسن خان - بنا بود بهر و لیمه
باشد نصیحته همیونی.

آقامیده حسن - اگر نیتواند در ساعت مین حاضر شوند
میرزا ابوالحسن تقی زاده - همچو کدام میروند
که ما بخواهیم اجزاء کمیسیون بشود این نیست
بس خوست که هفته یک‌روز هم حاضر شویم من
میگوییم که کمیسیون صبح کار بکند در عصر صحبت
آن مذاکره شود.

میرزا ابوالحسن خان - تیجه یک‌جهتی در
بکردو خوانده میشود ممکن است که در سه ساعت
طرف صبح کار بکنند و عصر شیجه آنها را اظهار
پذارند حاشا و کلا بنده در این پا به هیچ حرکی
نمی‌کویم.

آقامیده حسن تقی زاده - میگوییم چه
ضرر دارد که کمیسیون در صد وضع قوانین باشند
دانی مجلس از رای هر این علوم عمومی و تظامات معمولی
رسید کی نمایند.

میرزا ابوالحسن خان - چه ضرر دارد که
بکردو از رای هر این علوم عمومی و بکردو همیزی قطع
شد هزار توان مواجب نظام املک را با داده
این سیدبرای مجلس گشته شده است باید تمام مواجب
آن طرف را در حق این مدادات برقرار کنند و کلا
هم باید رای بدهند.

بعد اعتبار نامه آقای حاجی بحرالعلوم رشی
قرائت شد که از جانب علماء اعلام داشت متوجه شدند
(همه نبریک گفتند).

آقامیده حسن - تکلیف در حاضر شدن
و گلا بوقت مین و کمیسیونها چه شد هفته یک‌روز
باید باشد چه میگفتند هفته سه روز باشد.

آقامیده محمد مجتبه - مکرر آن
کمیسیونها اهل این مجلس نبستند و وضع قوانین

آقا میرزا ابوالحسن خان - چرا برای شهادت و تصدیق خواست.

آقا سید محمد مجتبی‌خان - آن نوشته چهارشنبه شنبده تهیه شد.

آقا سید محمد مجتبی‌خان - آن نوشته صدیق حضرت - نوشته شد هنوز جواش نوامده.

آقا میرزا ابوالحسن خان - آن نوشته ۱۳۲۵ شرداد ماه حدود امتیاز نامها باشد با استظاهر مبلغ پاشدوا که شبیده که بدون اطلاع مجلس کاری کرده آند حق دارند که مجلس اطلاع فرارش که از نسخه آقامیرزا محمدحسین بگیرید و استتساخ داده جلو گیری نمائید.

آقا سید محمد مجتبی‌خان - آن نوشته شد.

آقا میرزا ابوالحسن خان - آن نوشته ۱۳۲۵ شرداد ماه حدود امتیاز نامها باشد با استظاهر مبلغ میگوید و بودجه رایاورند وقتی که آوردن آنچه از تاریخ فرمان تاحال بدین قصور مجلس عمل شده است مجلس قلم میکشد اینها هیزی نیست هیزی که هست اینست که باید بخواهد و بایم تازه از نامه و معاون ایشان نوشته شود بصدارت که وزیر مالیه با معاون ایشان احراز شوند.

آقا میرزا ابوالحسن خان - آن نوشته ۱۳۲۵ شرداد ماه حدود امتیاز نامها باشد با استظاهر مبلغ میگوید و بودجه رایاورند وقتی که آوردن آنچه از تاریخ فرمان تاحال بدین قصور مجلس عمل شده است مجلس قلم میکشد اینها هیزی نیست هیزی که هست اینست که باید بخواهد و بایم تازه از نامه و معاون ایشان نوشته شود بصدارت که وزیر مالیه با معاون ایشان احراز شوند.

آقا میرزا ابوالحسن خان - آن نوشته ۱۳۲۵ شرداد ماه حدود امتیاز نامها باشد با استظاهر مبلغ میگوید و بودجه رایاورند وقتی که آوردن آنچه از تاریخ فرمان تاحال بدین قصور مجلس عمل شده است مجلس قلم میکشد اینها هیزی نیست هیزی که هست اینست که باید بخواهد و بایم تازه از نامه و معاون ایشان نوشته شود بصدارت که وزیر مالیه با معاون ایشان احراز شوند.

آقا میرزا ابوالحسن خان - آن نوشته ۱۳۲۵ شرداد ماه حدود امتیاز نامها باشد با استظاهر مبلغ میگوید و بودجه رایاورند وقتی که آوردن آنچه از تاریخ فرمان تاحال بدین قصور مجلس عمل شده است مجلس قلم میکشد اینها هیزی نیست هیزی که هست اینست که باید بخواهد و بایم تازه از نامه و معاون ایشان نوشته شود بصدارت که وزیر مالیه با معاون ایشان احراز شوند.

آقا میرزا ابوالحسن خان - آن نوشته ۱۳۲۵ شرداد ماه حدود امتیاز نامها باشد با استظاهر مبلغ میگوید و بودجه رایاورند وقتی که آوردن آنچه از تاریخ فرمان تاحال بدین قصور مجلس عمل شده است مجلس قلم میکشد اینها هیزی نیست هیزی که هست اینست که باید بخواهد و بایم تازه از نامه و معاون ایشان نوشته شود بصدارت که وزیر مالیه با معاون ایشان احراز شوند.

آقا میرزا ابوالحسن خان - آن نوشته ۱۳۲۵ شرداد ماه حدود امتیاز نامها باشد با استظاهر مبلغ میگوید و بودجه رایاورند وقتی که آوردن آنچه از تاریخ فرمان تاحال بدین قصور مجلس عمل شده است مجلس قلم میکشد اینها هیزی نیست هیزی که هست اینست که باید بخواهد و بایم تازه از نامه و معاون ایشان نوشته شود بصدارت که وزیر مالیه با معاون ایشان احراز شوند.

آقا میرزا ابوالحسن خان - آن نوشته ۱۳۲۵ شرداد ماه حدود امتیاز نامها باشد با استظاهر مبلغ میگوید و بودجه رایاورند وقتی که آوردن آنچه از تاریخ فرمان تاحال بدین قصور مجلس عمل شده است مجلس قلم میکشد اینها هیزی نیست هیزی که هست اینست که باید بخواهد و بایم تازه از نامه و معاون ایشان نوشته شود بصدارت که وزیر مالیه با معاون ایشان احراز شوند.

آقا میرزا ابوالحسن خان - آن نوشته ۱۳۲۵ شرداد ماه حدود امتیاز نامها باشد با استظاهر مبلغ میگوید و بودجه رایاورند وقتی که آوردن آنچه از تاریخ فرمان تاحال بدین قصور مجلس عمل شده است مجلس قلم میکشد اینها هیزی نیست هیزی که هست اینست که باید بخواهد و بایم تازه از نامه و معاون ایشان نوشته شود بصدارت که وزیر مالیه با معاون ایشان احراز شوند.

آقا میرزا ابوالحسن خان - آن نوشته ۱۳۲۵ شرداد ماه حدود امتیاز نامها باشد با استظاهر مبلغ میگوید و بودجه رایاورند وقتی که آوردن آنچه از تاریخ فرمان تاحال بدین قصور مجلس عمل شده است مجلس قلم میکشد اینها هیزی نیست هیزی که هست اینست که باید بخواهد و بایم تازه از نامه و معاون ایشان نوشته شود بصدارت که وزیر مالیه با معاون ایشان احراز شوند.

آقا میرزا ابوالحسن خان - آن نوشته ۱۳۲۵ شرداد ماه حدود امتیاز نامها باشد با استظاهر مبلغ میگوید و بودجه رایاورند وقتی که آوردن آنچه از تاریخ فرمان تاحال بدین قصور مجلس عمل شده است مجلس قلم میکشد اینها هیزی نیست هیزی که هست اینست که باید بخواهد و بایم تازه از نامه و معاون ایشان نوشته شود بصدارت که وزیر مالیه با معاون ایشان احراز شوند.

حقوق زاده کارهاست که بمنها و اتام میشوند و پسندیده شده باشد باید جلو گیری کرد.

آقا سید حسن نقی زاده - تسلیمه توفیق میتوشد.

میرزا محمود خوانساری - از برای تدبیر میتوشد.

ویثائی فرح آباد و اصبدوانی مبانی تیار پیغام داده اند و چهار هزار تومن بول ساخت مخارج فرح آباد را میکرند. در صورتیکه املاع غیرعمری شتمانی باشند.

میج با آنجا تشریف نمیبرند شما باید عرضه نویسی تحسین نمودند غایبه این تحسین چیزی نتیجه باید گرفت و باید توفیق بشود.

آقامیرزا محبی بندر عین حسن - برای بروات ماله و ماله و میکنند باید اینها را باید زیاد میکنند.

میرزا محمود خوانساری - یکی یکی حالا این مطلبی که گفت شده است نتیجه گرفته بشود نیایکی، دیگر برند.

میرزا محمود داصفه‌الله - باید از روز ۴۸.

چندای اندیشه باین طرف آنچه داده شده است بصوبت مجلس باشد.

میرزا محمود خوانساری - نتیجه‌ها اندام میکنند.

آقا میرزا محسن - و قبیله کتابچه و این مطلبی را باید زیاد نمایند.

بعمل آورند از این قبیل بقول نکيد.

میرزا محمود خوانساری - این بولهای محتوى ملایم و مراتب مردمی همچو طوریه باید چهار آنرا باید بگفت.

آقامیرزا محبی بندر عین حسن - معلم‌گردید چه باید کرد.

سعاد الدوله - من چه میدانم نمیدانم.

صدیق حضرت - باید بقانوون - نظمامنه اندام در کارها کرد.

آقامیرزا محسن - این عرضه بیشتر داشتند.

صدیق حضرت - این خارج از قانون نظمامنه است و کلای مجلس نمیتوشد.

حاجی سید لصلی اللہ علیہ و آله و سلم - اینچه نوشته نیایند.

چیزی بیشتر نمیتوشد و نتیجه گرفته شده بیشود باید نداشته شود.

ریدگی کردند.

حاجی سید محمد مجتبی - این مطلب دارند.

میرزا سید محمد مجتبی - میکنند باید.

سعاد الدوله - جواب سایر آنها میکنند.

اصلاح میشود.

حاجی امین الشراب - امر وزیری تقدیم و لایاقه و لایه است.

آقادیسی حسن - نقی زاده - میشه میزی نداند.

صیغ است ولی امروز زود است.

کنه‌السلطنه - از بابت مولج پوستی و مکانی که باید را

مودع شوند شود صورت عمل حکام با لفڑت مطابقه شود.

سعد الدوله - پنهان میگوید و بودجه را

روز شب هم کنم و لی حالا میگوید که بمواب و

مستمری ابد دست نمیشود.

آقامیرزا ابوالحسن خان - اینها از تفاوت مالیات است.

سعاد الدوله - دریاب و چاپ نظمامنه که باید

کردند و باید چاپ و مکانی که ندانند.

سعاد الدوله - از طبقه که میگوید این مطلب اندام

میشود اگر متفق باشد از این نسخه مدارد.

حاجی محبی بندر عین حسن - از برای

این نسخه چاپ شده مطالبه و تصحیح شده است.

سعاد الدوله - از طبقه که میگوید این مطلب اندام

میشود و باید از این نسخه مدارد.

حاجی امین الشراب - از طبقه که میگوید این مطلب اندام

میشود اگر متفق باشد از این نسخه مدارد.

سعاد الدوله - از طبقه که میگوید این مطلب اندام

میشود اگر متفق باشد از این نسخه مدارد.

حاجی امین الشراب - از طبقه که میگوید این مطلب اندام

میشود اگر متفق باشد از این نسخه مدارد.

سعاد الدوله - از طبقه که میگوید این مطلب اندام

میشود اگر متفق باشد از این نسخه مدارد.

حاجی امین الشراب - از طبقه که میگوید این مطلب اندام

میشود اگر متفق باشد از این نسخه مدارد.

سعاد الدوله - از طبقه که میگوید این مطلب اندام

میشود اگر متفق باشد از این نسخه مدارد.

(امتیازنامه بالات ملی ایران) چون از ادراة خاطرالهام مظاہر ملوکانه براین علاقه فرموده که محض تکمیل خلائم رفاقت و افتخار خود حاضر شده و داخل مذاکرات بثوند و نیز هر زمان می توانند در صید کی بذوق این مذاکرات و مفاخرات ایران از ادراة باشند.

و دایر بشود بوجوب این فرمان های این که از تاریخ شهر ذی الحجه ۱۳۲۴ یونتیل شرف صدور باشد قویا منوع و کان ام یکن خواهد بود و همکنایشکی ازوزیر امور خارجه بتویسته.

آقامیرزا حسن - هاشمی نویسیده جوانی داده نیشود فایده اش چیست؟

صورتی که در این بصر از این فرمان نوشته بودند واز تسامع و تملک وزارت خارجه در این امر نشکنی کردند و بذوق این مذاکرات از این امر نشکنند.

آقامیرزا حسن - هاشمی نویسیده جوانی داده نیشود باشد بازددر مدت یکسال تبیه داخله فرخته شود و انگر صاحب اینکو اسهام در فرمان آنها مسامعه نمایند اینهم از این امر نشکنند.

آقامیرزا حسن - هاشمی نویسیده جوانی داده نیشود باشند در این بصر این امر نشکنند.

آقامیرزا حسن - هاشمی نویسیده جوانی داده نیشود باشند در این بصر این امر نشکنند.

آقامیرزا حسن - هاشمی نویسیده جوانی داده نیشود باشند در این بصر این امر نشکنند.

آقامیرزا طاهر - آیا در ظرف این امر نشکنند.

آقامیرزا طاهر - آیا در ظرف این امر نشکنند.

آقامیرزا طاهر - آیا در ظرف این امر نشکنند.

آقامیرزا طاهر - آیا در ظرف این امر نشکنند.

آقامیرزا طاهر - آیا در ظرف این امر نشکنند.

آقامیرزا طاهر - آیا در ظرف این امر نشکنند.

آقامیرزا طاهر - آیا در ظرف این امر نشکنند.

آقامیرزا طاهر - آیا در ظرف این امر نشکنند.

آقامیرزا طاهر - آیا در ظرف این امر نشکنند.

آقامیرزا طاهر - آیا در ظرف این امر نشکنند.

وزیر معادن - اول خود حکم این که باشد باشند و نیز هم معاونت همراه این که باشد باشند.

وزیر معادن - اول خود حکم این که باشد باشند.

وزیر معادن - اول خود حکم این که باشد باشند.

وزیر معادن - اول خود حکم این که باشد باشند.

وزیر معادن - اول خود حکم این که باشد باشند.

وزیر معادن - اول خود حکم این که باشد باشند.

وزیر معادن - اول خود حکم این که باشد باشند.

وزیر معادن - اول خود حکم این که باشد باشند.

وزیر معادن - اول خود حکم این که باشد باشند.

وزیر معادن - اول خود حکم این که باشد باشند.

وزیر معادن - اول خود حکم این که باشد باشند.

وزیر معادن - اول خود حکم این که باشد باشند.

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

وزیر - پایابود دوسال اگر که این از این دو سال شکل ننمودند باشند چون دوسالش تمام شد از شریف آوردن ایشان چه بود؟

(۱) شیخ الملك و کل نبود بلکه کسی بود که امیان

(۱) شیخ الملك و کل نبود بلکه کسی بود که امیان

(۱) شیخ الملك و کل نبود بلکه کسی بود که امیان

(۱) شیخ الملك و کل نبود بلکه کسی بود که امیان

(۱) شیخ الملك و کل نبود بلکه کسی بود که امیان

(۱) شیخ الملك و کل نبود بلکه کسی بود که امیان